

چخوف و داستانهای دیگر لاتاری،

شرلی جکسن، ریموند کارور، آن بیتی، آن نایلر
جان آیدایک، توبیاس ولف، کاروتو ایشی گورو

ترجمه‌ی جعفر مدرس صادقی



نشر مرکز

فهرست

- ۱ مقدمه برای چاپ هشتم
۵ زنده باد داستان کوتاه

داستانها

- ۲۵ لاتاری • شرلی جکسن
۳۶ شام خانوادگی • کازونو ایشی گورو
۴۹ ذوق زبان • آن تایلر
۶۵ آن طرف خیابان • جان آپدایک
۷۸ خانه‌ی واندا • آن بیٹی
۱۰۰ آن میلر دیگر • توبیاس ولف
۱۱۸ چخوف • ریموند کارور

پیوست

- ۱۴۱ شرلی جکسن و «لاتاری» • جودی اوپنهايمر
۱۴۹ ریموند کارور - صدایی ملایم و آرام • جی مک اینرنی
۱۵۹ نوشتن پیشه‌ی من است • ناتالیا گینزبورگ
۱۶۵ فرم، نه طرح • شرود اندرسن
۱۷۰ «طرح ندارد، عزیزم...» • کاترین آن پورتر
۱۷۴ بازنویسی و زندگی: دوباره، از سر • نورا افرون

زنده باد داستان کوتاه!

از نویسندگانی که داستانهای کوتاهشان را در این کتاب می‌خوانید دو نفر مُرده‌اند و بقیه خوشبختانه هنوز زنده‌اند و سرچالند و می‌نویسند و در بهترین دوره‌های زندگی و خلاقیت ذهنی به سر می‌برند و از تابناک‌ترین ستارگانِ عالم داستان‌نویسیِ زبانِ انگلیسی و ستونهای محکم بنای ادبیات امروز جهان و گواهان زنده‌ی این حقیقتِ دلپذیرند که داستان کوتاه نمرده است و روبه‌موت هم نیست، زنده و پاینده و روبه‌راه است و در این سالهای آخر قرن بیستم هنوز هم از آبرو و حیثیت فراوانی برخوردار است و به یمن وجود همین نویسندگان و داستانهایی که نوشته‌اند و می‌نویسند، اعتبار و ویژگی و تشخصی که در قرن گذشته پیشکوتانی نظیر ادگار آلن پو و گی دومو پاسان و آنتون چخوف به داستان کوتاه دادند و در اوایل این قرن به دست مردانی نظیر شرود آندرسن و ارنست همینگ‌وی جا افتاد دوباره احیا می‌شود، داستان کوتاه جان تازه‌ای می‌گیرد، مجله‌های ادبی آمریکا که تا چندی پیش رغبت چندانی به چاپ داستان نداشتند و اگر هم چاپ می‌کردند ترجیح می‌دادند داستانهایی چاپ کنند که رنگ و بوی مقاله و گزارش داشته باشد و جدی باشد و حتا کار را به جایی رسانده بودند که به جای کلمه‌ی «داستان» کلمه‌ی «نثر» را به کار می‌بردند، حالا دوباره به چاپ داستان رو آورده‌اند و به داستان رونق تازه‌ای داده‌اند. در دوره‌ی رکود داستان در آمریکا (بخصوص در دهه‌ی هفتاد) چندین مجله‌ی ادبی روشنفکرانه که داستان چاپ می‌کردند تعطیل شدند،

مجله‌های کوچک و دانشگاهی لیک و لکی می‌کردند و مجله‌های بزرگ دیگر داستان چاپ نکردند. تنها مجله‌های بزرگ معتبری که همچنان داستان چاپ می‌کردند و از پا در نیامدند عبارت بودند از مجله‌ی هفتگی نیویورکر^۱ و ماهنامه‌های آتلانتیک^۲ و هارپرز^۳. از داستانهای نویسندگان آمریکایی این کتاب پنج تا در مجله‌ی نیویورکر چاپ شده‌اند و یکی در مجله‌ی آتلانتیک. داستان تنها نویسنده‌ی انگلیسی این کتاب در مجله‌ی فایربرد^۴ چاپ شده.

هر کدام از داستانهای این کتاب اگر بهترین داستان نویسنده‌اش نباشد، مسلماً یکی از بهترین داستانهای اوست. در مورد داستان اول به طور قطع و یقین می‌توان گفت که این داستان بهترین داستان نویسنده‌اش و شاید تنها داستان خوب او باشد. «لاتاری» که در ۱۹۴۸ در مجله‌ی نیویورکر چاپ شد، مدتهاست که دیگر کلاسیک شده و در بسیاری از برگزیده‌های معتبری که از بهترین داستانهای کوتاه آمریکا و جهان فراهم آمده بارها و بارها به چاپ رسیده است.^۵ در مورد بهترین داستان ریچارد کارور حرف قطعی نمی‌توان

۱ - *New Yorker*، مجله‌ی ادبی عمده‌ی آمریکا که در ۱۹۲۵ تأسیس شد و از همان ابتدا و تا امروز در چند زمینه‌ی مختلف سرآمد و پیش‌تاز بوده است: داستان کوتاه، هنر گزارش‌نویسی، کارتون و نقد. بسیاری از نویسندگان نخبه‌ی معاصر آمریکا از توی شکمش درآمدند: جیمز تریور، اس. جی. پرلمن، ئی. بی. وایت، جان چپور، جی. دی. سلینجر، جان آهدایک... و چندین طراح بزرگ، از جمله ساوول استاین برگ. شعرهای جوزف برودسکی (برنده‌ی جایزه‌ی ادبیات نوبل ۱۹۸۷) و داستانهای ایزاک بشویس سینگر (برنده‌ی جایزه‌ی ادبیات نوبل ۱۹۷۸) و ولادیمیر نابوکوف هم توی همین مجله چاپ می‌شد.

۲ - *Atlantic Monthly*، یکی از سابقه‌دارترین مجله‌های ادبی آمریکا که در ۱۸۵۷ تأسیس شده.

۳ - *Harper's Magazine*، همزاد آتلانتیک. در ۱۸۵۰ تأسیس شده.

4- *Firebird*

۵ - گاهی محض تنوع داستانهای دیگری از شرلی جکسن در منتخب‌ها به چاپ می‌رسد. داستانهای «Charles» و «The Pajama Party» در این دو کتاب به جای «لاتاری» انتخاب شده‌اند:

75 Short Masterpieces, ed. by Roger B. Goodman. Bantam Books, New York, 1977. / *American Short Stories of Today*, ed. by Esmore Jones. Penguin Books, London, 1988.

زد: حتا تدوین مستحبی از بهترین داستانهای او کار بسیار خطیر و دشواری‌ست، چون چنین مستحبی بدون کنار گذاشتن برخی از بهترین داستانهای او قابل تصور نیست. ولی اگر چنین مستحبی تدوین شود، لابد با داستانی که در این کتاب می‌خوانید تکمیل خواهد شد.

به ریچارد کارور، آن بیتی، جان چپور و چند تن دیگر از داستان‌نویسان معاصر آمریکا «مینیمالیست» لقب داده‌اند. درباره‌ی مینیمالیست‌ها دو برداشت کاملاً متفاوت وجود دارد. بیشتر منتقدان آنها را به خاطر حذف کردن همه‌ی زوائد و ایجاز شدیدی که در روایت داستان، نقل‌گفت و گوها و توصیف و توضیح به کار می‌برند ستایش می‌کنند. مینیمالیست‌ها به اولین داستانهای کوتاه ارنست همینگوی نظر دارند که نمونه‌های بی‌همتای سادگی و پیراستگی و ایجازند. اما از طرف دیگر، به آنها ایراد می‌گیرند که با لخت و عور کردن داستان و زدن همه‌ی شاخ و برگ‌های اضافی، لطف و نمک و روح داستان را می‌گیرند. فردریک بارتم که خودش یکی از مینیمالیست‌هاست، اتهاماتی را که به داستان مینیمالیستی می‌زنند به این صورت خلاصه کرده است:

۱ - حذف ایده‌های فلسفی بزرگ، ۲ - مطرح نکردن مفاهیم تاریخی، ۳ - عدم موضع‌گیری سیاسی، ۴ - عمیق نبودن شخصیت‌ها به اندازه‌ی کافی، ۵ - توصیف‌های ساده و پیش‌پا افتاده، ۶ - یکنواخت بودن سبک، ۷ - بی‌توجهی به جنبه‌ی اخلاقی. و بعد می‌گوید «خیلی عجیب است. اگر داستان همه‌ی این چیزها را نداشته باشد و به این خوبی باشد که اینها می‌گویند، پس این داد و فریادها برای چیست؟» مگر داستان را همین طور نباید نوشت؟ بهترین داستانهای کوتاه همینگوی همان داستانهای کوتاه دهه‌ی بیست و دهه‌ی سی‌اند^۲ که با حداقل توصیف، حداقل دیالوگ، حداقل توضیح، حداقل حرّافی و با ساده‌ترین و رساترین زبان ممکن نوشته شده. زبان دیگر در داستانهای او

1- *The New York Times Book Review*, April 3, 1988.

[در نقاشی هم جنبشی به همین اسم (Minimalism) از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ پا گرفت.]

۲ - مجموعه‌ی داستان *Men Without Women* در ۱۹۲۷ و مجموعه‌ی *چهل و نه* داستان اولش که شامل داستانهای *Men Without Women* هم بود، در ۱۹۳۸ منتشر شد.